

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۸ می ۲۰۲۴

درباره زندگی چریک فدایی خلق،
رفیق جواد سلاحی



چریک فدائی خلق رفیق شهید جواد سلاحی کمونیستی برجسته و یکی از پیشگامان مبارزه مسلحانه در ایران بود که با تلاش‌های بی دریغ مبارزاتی و با خون خویش سال ۱۳۵۰ را به یک سال تاریخی در جنبش کمونیستی ایران تبدیل کردند.

رفیق جواد یکی از چریک‌های فدائی خلق بود که تمام زندگی خود را در راه تحقق آرمان‌های والای انقلابی‌اش که جز رهائی کارگران و کل بشریت از قید هرگونه ظلم و ستم و استثمار نبود به خدمت گرفت. او در شرایطی که امر رهائی خلق‌های در بند ایران از قید سلطه امپریالیسم و سگان زنجیری‌اش نیازمند مبارزه‌ای سترگ توأم با فداکاری و پاکبختگی تمام عیار بود سلاح برگرفت و برای تحقق تئوری

انقلابی و راهگشای چریک‌های فدائی خلق مندرج در کتاب‌های «ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا» از رفیق امیرپرویز پویان و «مبارزه مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک» از رفیق مسعود احمدزاده بی وقفه و قاطع در راه پیشبرد مبارزه‌ای قدم نهاد که پاسخگوی نیاز جنبش و جامعه ما بود.

او در شرایطی که سرکوب‌های مداوم عمال امپریالیسم در ایران یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و تبلیغات جهانی دستگاه‌های تبلیغاتی ساواک سلطنت بر زمینه خیانت رهبران حزب توده و سازش‌کاری‌های جبهه ملی، توده‌ها را دچار یأس و ناامیدی نموده و به امکان مبارزه با دشمنان خویش دچار تردید ساخته بود، دست به مبارزه مسلحانه‌ای زد که در همان سال‌های اول دهه ۵۰ طلسم قدرقدرتی دشمن را از ذهن توده‌های ستم‌دیده شکست و آنها را به قدرت انقلابی خویش واقف ساخت تا شرایط برای زدن نقبی به قدرت تاریخی توده‌ها مهیا گردد.

چریک‌های فدائی خلق و از جمله رفیق جواد در شرایطی می‌بایست راه اصلی مبارزه با دشمن را به کارگران و توده‌های ستم‌دیده نشان دهند که به قول رفیق مسعود «روشنفکران انقلابی عمدتاً فاقد هر گونه سابقه تئوریک و تجربی بودند» و به همین دلیل هم «کار از نو باید شروع می‌شد» این امر نشان‌دهنده این واقعیت بود که حزب خائن توده حتی نتوانسته بود «برای مراحل بعدی مبارزه یک سابقه تئوریک و تجربی فراهم کند» و به همین دلیل هم «در شرایط شکست مبارزه خلق ما» کار می‌بایست از صفر شروع شود.

رفیق جواد در شرایطی که سازمان می‌بایست کار مبارزاتی خود را از صفر شروع می‌کرد و امکانات چندانی در اختیار نداشت، با ابتکار و خلاقیت انقلابی خویش در زمینه‌های مختلف برای فعالیت‌های سازمان امکانات آفرید و به رشد مبارزات سازمان تا عالی‌ترین شکل آن کمک‌های ارزنده‌ای نمود.

او در مصادره اولین بانک توسط رفقای گروه پویان، مفتاحی، احمدزاده (بانک ونک در اواسط سال ۴۹) نقش خود را ایفا نمود و در ساختن اولین پلاک جعلی اتومبیل و بسیاری کوشش‌های انقلابی دیگر، نقش مبتکرانه رفیق جواد سلاحی به نحو بارزی چشمگیر بود. همچنین رفیق جواد اولین رفیقی بود که زمانی که رفقا به مبارزه مسلحانه رسیدند مطرح کرد، «به علت شرایط بغرنج مبارزه در ایران، فضای ترور حاکم بر جامعه و اعمال جنایتکارانه سازمان امنیت، یک چریک فدائی نباید زنده به دست دشمن بیافتد». جالب است که خود نیز اولین رفیقی بود که در سال ۱۳۵۰ به هنگام پخش اولین اعلامیه‌های چریک‌های فدایی خلق به این گفته خود عمل کرد. او نشان داد که برعکس اپورتونیست‌ها هرگز میان گفتار و کردار یک چریک فدائی تضادی وجود ندارد و چریک فدائی به آنچه می‌گوید عمل می‌کند و به آنچه عمل می‌کند اعتقاد راسخ دارد.

این درسی است که سلاحی‌ها و دیگر شهدای سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران با خون خود در اختیار جنبش خلق‌های ما قرار دادند، درسی که با تقدیم خون بهترین فرزندان کمونیست مردم ایران تأثیرات مخرب خیانت‌های حزب توده را از اذهان زدود و کمونیسم را با نام فدائی در ایران زنده کرد.

چریک فدائی خلق رفیق جواد سلاحی که نامش به عنوان یکی از فرزندان صدیق خلق و به مثابه یک کمونیست در تاریخ مبارزاتی ایران جاویدان است در سال ۱۳۲۵ در یک خانواده زحمتکش در همدان دیده به جهان گشود. وی از ابتدای کودکی با فقر و تنگدستی که همواره بر زندگی زحمتکشان جامعه سیطره دارد دست به گریبان بوده و از همان هنگام نسبت به استثمارگران و صاحبان ثروت‌های کلان کینه‌ی سترگی در دل او پرورده شده بود. از این رو هنگامی که او به آگاهی سیاسی دست یافت در شرایطی که مفهوم و معنای عینی و واقعی ظلم و ستم طبقاتی را با گوشت و پوست خود لمس می‌نمود به مبارزه انقلابی روی آورد. رفیق جواد از همان ابتدای کودکی از آهنگری گرفته تا دست‌فروشی به کار اشتغال ورزیده بود اما به تحصیل خود نیز پرداخته و بعد از اتمام دوره‌ی دبیرستان به عنوان آموزگار در یکی از روستاهای بروجرد مشغول بکار شد.

بر چنین زمینه عینی بود که به دلیل روابطش با رفقائی که گروه پویان، مفتاحی، احمدزاده را شکل دادند و از جمله ارتباط با برادر انقلابی‌اش رفیق کاظم سلاحی با پی بردن به علل فقر و سیه‌روزی کارگران و زحمتکشان جامعه و شناخت هر چه بیشتر و علمی‌تر نسبت به ماهیت سرمایه‌داران زالوصفتی که انگل‌وار از استثمار دیگران ارتزاق می‌نمایند، چنان خشم و کینه‌ای از آنان وجود او را فرا گرفت که مسیر زندگی‌اش را تعیین نمود.

در سال ۱۳۴۹ پس از دستگیری برادرش رفیق کاظم سلاحی و حمله ساواک به خانواده وی، اسم رفیق جواد سلاحی برای رژیم شاه شناخته شد. از این‌رو وی که در این هنگام زندگی نیمه مخفی داشت و فعالیت انقلابی‌اش را در یکی از خانه‌های تیمی پیش می‌برد مجبور شد که کاملاً مخفی شود.

سردمداران رژیم شاه که تازه به جریان مبارزه نوین و شکوهمندی که در حال تکوین در جامعه ما بود پی می‌بردند در فروردین سال ۱۳۵۰ وحشت‌زده عکس تعدادی از رفقای ما را چاپ نموده و در سراسر کشور بر در و دیوارها چسباندند.

مزدوران شاه بدین ترتیب می‌خواستند که جلوی جریان مبارزه‌ای را سد نمایند که چریک‌های فدائی خلق در پرتو تئوری مارکسیستی مبارزه‌ی مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک، آغازگر آن بودند. برای این منظور دشمن با دستپاچگی

عکس ۹ تن از چریک‌های فدائی خلق را در سراسر کشور منتشر نمود که رفیق جواد سلاحی یکی از آنان بود. این دشمن غافل از آن بود که مبارزه‌ی مسلحانه‌ی چریک‌های فدائی خلق به دلیل ماهیت انقلابی خویش و از آن‌جا که راه نوین کمونیستی را در مقابل کارگران و دیگر اقشار ستمدیده خلق قرار می‌داد و از آن‌جا که این راه به توده‌ها و روشنفکران مبارز نشان می‌داد که تنها راه رهائی از سطله‌ی امپریالیسم، جنگ توده‌ای و طولانی است و با اهمیتی هر چه بیشتر به دلیل وجود کمونیست‌های متشکل در تشکیلات چریک‌های فدائی خلق که برای تحقق اهداف خود حاضر بودند از جان خویش نیز بگذرند، با چنان ترفندهائی نمی‌تواند به مقابله برخیزد و متوجه نشد که با چنین عمل احمقانه‌ای چگونه بدون آن‌که خود بخواهد چریک‌های فدائی خلق و مبارزه آنان را در جامعه مطرح و آنها را به توده‌های پر خشم و کین نسبت به رژیم شاهنشاهی و تشنه آزادی می‌شناساند.

اگر دشمن وحشت‌زده از موج مبارزه خروشان چریک‌های فدائی خلق با چسباندن عکس نه انقلابی به در و دیوار، زبونه از مردم می‌خواست که در هر کجا آن انقلابیون را سراغ داشتند به پلیس اطلاع دهند و حتی وعده‌ی ۱۰۰ هزار تومان را به ازای دستگیری هر یک از ۹ تن می‌داد که بالطبع در آن زمان پول کلانی به حساب می‌آمد، توده‌های آگاه و مبارز ما در حالی که نسبت به جریان نوین مبارزه آگاه شده بودند به حمایت معنوی از چریک‌ها برخاسته و جریان امر را با کنجکاوی انقلابی تعقیب می‌نمودند.

شگرد دشمن در انتشار عکس رفیق جواد سلاحی به مثابه یکی از نه "۱۰۰ هزار تومانی"ها نتوانست باعث خللی در فعالیت‌های انقلابی رفیق جواد گردد و وی کماکان با شور انقلابی و با ایمان به پیروزی راهی که خود از آغازگران آن بود به طور خستگی‌ناپذیر به وظایف انقلابی خویش عمل می‌نمود و لحظه‌ای از یاد خلق و خدمت به او غافل نبود. کینه و خشم عمیق چریک فدائی خلق رفیق جواد سلاحی نسبت به دشمن یعنی امپریالیسم و تمام سگان زنجیری‌شان، نسبت به سرمایه‌داران وابسته و نظام پوسیده و نکبت‌بار سرمایه‌داری وابسته با عشق عمیق وی به خلق و در راس آنها طبقه‌ی کارگر عجین بود.

رفیق جواد سلاحی در فروردین‌ماه سال ۵۰ در حالی که به همراه رفیق علیرضا نابدل اولین اعلامیه‌هائی که نام چریک‌های فدائی خلق همراه با عملیات انقلابی‌شان در آنها طرح شده بود را در کوچه و خیابان‌ها پخش و بر روی دیوارها نصب می‌نمودند مورد تعقیب مزدوران ساواک قرار گرفته و اگر چه در ابتدا توانستند با موتورسیکلت از دست مزدوران فرار نمایند ولی به دلیل عدم آشنائی کامل به منطقه، در کوچه بن‌بستی در محله پامنار تهران قرار گرفتند. با این‌حال رفا در همان کوچه به نبردی قهرمانانه با مزدوران پرداختند. در این نبرد رفیق نابدل مجروح و دستگیر گردید و رفیق جواد سلاحی آخرین تیر را به خود شلیک نموده و به تبار شهدای گران‌قدر چریک‌های فدائی خلق پیوست.

یاد رفیق جواد سلاحی گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریک‌های فدائی خلق ایران

شماره ۱۲۳، پانزدهم فروردین‌ماه - حمل - ۱۴۰۳